

شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی

مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان

دکتر عباس سعیدی^۱، منیژه احمدی^۲

چکیده

در سال های اخیر، توجه به جابجایی های روستایی - شهری، از یک سو، و اثرگذاری شهر بر دگرگونی بافت های روستایی، از سوی دیگر، پیوسته مورد تأکید بوده است. این مقاله می کوشد، روندهای تغییر را که زمینه ساز دگرگونی مسکن روستایی و خود زائیده شدت گرفتن جریان های شهری - روستایی، هم چون جریان افراد، اطلاعات، نوآوری و مانند آن، بوده است، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. فهم این دگرگونی ها مستلزم توجه به جنبه های مختلف این گونه جریان ها و درک مناسب فضای اجتماعی حاکم بر محدوده مورد مطالعه - روستاهای پیرامونی زنجان - بوده است.

کلیدواژگان: شهرگرایی؛ دگردیسی ساختاری - کارکردی؛ مسکن روستایی؛ روستاهای پیرامونی؛ زنجان.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

مسکن یا خانه روستایی بنابر تعریف، محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به صورت تک خانواری یا چند خانواری در زیر سقف مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به صورت اختصاصی و یا جمعی است (سعیدی، ۱۳۸۷-الف). مسکن روستایی به طور طبیعی تجلی‌گاه شیوه زیستی- معیشتی گروه‌های روستایی به شمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی- فضایی، به مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا (همو، ۱۳۷۳). این نکته به ویژه در عرصه‌هایی که هنوز پیوندها و بستگی‌های خود را با محیط طبیعی نگسسته‌اند و حرکت و فعالیت خود را- به طور نسبی- در سازگاری و هم‌نوایی با عوامل و نیروهای محیط طبیعی جستجو می‌کنند، بیشتر صادق است. از سوی دیگر، در محیط‌های روستایی سرزمین‌های توسعه‌نیافته، با پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی- اقتصادی و گسترش دامنه روابط، به ویژه آنجا که شهرگرایی به صورتی برونزا و همراه با نوعی شهرزدگی پدیدار می‌گردد، سازگاری با محیط طبیعی کم‌کم کنار نهاده می‌شود و ریخت و کارکرد مسکن روستایی رنگ و بوی شهری می‌یابد. بر این پایه، می‌توان گفت، درجه رشد فرهنگی- اعم از فرهنگ مادی و معنوی- تعیین‌کننده نوع مسکن خانوارها و گروه‌های روستایی است (همو، ۱۳۷۵؛ ۱۳۹۰).

طرح مسأله و فرضیه‌های پژوهش

امروز، همراه با گسترش دامنه روابط شهر و روستا و برقراری جریان‌های گوناگون، از جمله جریان افراد، نوآوری و اطلاعات، دگرگونی‌های دامنه‌داری در سطح سکونتگاه‌های روستایی پدیدار شده است. از جمله این دگرگونی‌ها، تغییر شکل و فضابندی خانه‌های روستایی و به تبع آن، تحول کارکردی آنهاست.

افزون بر این، گریته‌برداری از شیوه‌های ساخت و ساز، معماری و فضابندی خانه‌های شهری در عرصه‌های روستایی، همراه با بی‌توجهی به الزامات ساخت و ساز و ناهماهنگی با نیازهای خانوارهای روستایی (همو، الزامات ساخت و ساز) نیز مطرح است. واقعیت این است که این گونه مدل‌برداری در جهان سوم به ناهماهنگی‌های موجود در محیط‌های روستایی افزوده، به صورت پدیده‌هایی بیگانه و ناسازگار با فضاهای بومی، از یک سو و زندگی و فعالیت، از

سوی دیگر، جلوه‌گر شده است. گستره این اثرگذاری تا بدانجا پیش می‌رود که در مواردی، تغییر ساختاری- کارکردی مسکن روستایی حتی به دگرگونی ساختاری- کارکردی بافت و کلیت نظام فضایی روستا منجر می‌گردد. در چنین مواردی، روستا از یک کانون تولیدی در زمینه کشاورزی به یک روستای خوابگاهی^۱ و در واقع، یک خوابگاه شهری تغییر کارکرد می‌دهد.

به سخن دیگر، دگرگونی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی با تحول شیوه زیست روستاییان همراه می‌شود و بدین‌سان، بستری فراهم می‌آید، برای تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به عرصه‌هایی در حال گذار و محیط‌هایی که به صورت "نه شهر- نه روستا" که اصطلاحاً "روستا- شهری" یا "روستایی- شهری"^۲ نام گرفته، جلوه‌گر می‌شود. این گونه فضاها بیشتر به هنگام انضمام عرصه روستا به شهر، اغلب به صورت محله‌هایی در حاشیه شهرها شکل می‌گیرند و به نحو توأمان، نشانه‌هایی از زندگی شهری و هم روستایی را به نمایش می‌گذارند. (سعیدی، ۱۳۸۷- ب؛ Iaquina and Drescher, 2000) آشکار است که پدیده‌هایی همچون خورندگی (سعیدی و شفیع، ۱۳۹۰) و الحاق یا انضمام شهری (سعیدی و حسینی، ۱۳۹۰)، به نوبه خود، به این فرایند دامن می‌زنند.

آشکار است که این گونه روندهای تقلیدی و برونزا، با فاصله روستا از کانون‌های شهری در ارتباط مستقیم قرار دارد، یعنی هرچه فاصله روستا از شهر، به خصوص از شهرهای بزرگتر، کمتر باشد، تأثیرپذیری و دگرگونی ساختاری- کارکردی مسکن روستایی بیشتر خواهد بود. افزون بر این، نوع و دامنه روابط شهر و روستا در دامن زدن به این فرایند نقش برجسته‌ای بازی می‌کند. (سعیدی، ۱۳۸۷- ج؛ Jerve, 2001؛ Lynch, 2005)

روستاهای پیرامونی شهر زنجان، همچون بسیاری از روستاهای پیرامون شهرها، با چنین روندهایی درگیر است: برخی از آنها از لحاظ کالبدی در شهر ادغام شده و به بافت شهری

1. Dormitory Village

2. Rurban

سابقه مفهوم روستایی- شهری را باید در کاربرد اصطلاح حاشیه شهری (urban fringe) که نخستین بار توسط جغرافیدانان آمریکایی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی مورد استفاده قرار گرفت، جستجو کرد (سعیدی، ۱۹۸۷- ب).

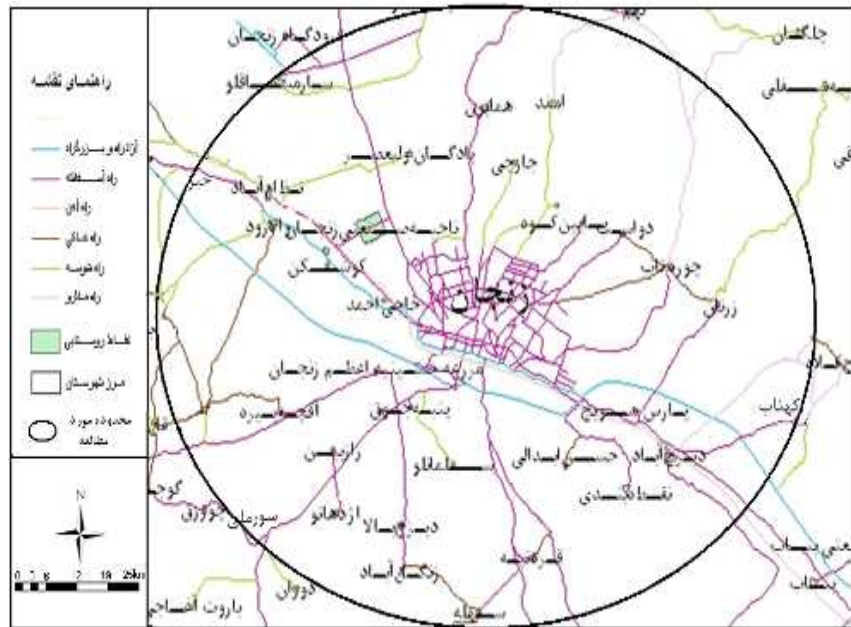
منضم شده‌اند؛ بعضی دیگر، با دگرگونی کالبدی، کارکردهای پیشین خود را کنار نهاده و کارکردهای تازه‌ای یافته‌اند؛ و برخی دیگر، رها مانده و در این گونه تعارضات، سرنوشت و آینده‌ای نامعلوم را تجربه می‌کنند.

بر این پایه، پرسش‌های اصلی این پژوهش حول ۲ محور محدود شده است: آیا فاصله کالبدی (فیزیکی) بین سکونتگاهی هنوز هم اثر مکانی - فضایی خود را در تحول روستایی حفظ کرده است؟ و آیا تحول ساخت و کارکردهای خانه‌های روستایی می‌تواند در دگرگونی سیمای درونی روستا اثرگذار باشد؟ بدین‌سان، پیش فرض‌های این پژوهش عبارت خواهند بود از:

- بین فاصله روستا از کانون شهری و دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی رابطه معکوس وجود دارد؛ و
- دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی به دگردیسی فعالیت و معیشت خانوار روستایی و نهایتاً، دگرگونی سیمای درونی روستا منجر می‌شود.

جامعه آماری و روش تحقیق

جامعه آماری این پژوهش سکونتگاه روستایی پیرامون شهر زنجان است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش در دو سطح به انجام رسیده است: در سطح روستاها و در سطح خانوارهای روستایی. در سطح نخست، بر پایه بررسی‌های مقدماتی و این پیش فرض که فاصله از شهر در دامنه ارتباطات و بروز دگرگونی‌ها نقش اثرگذار دارد، شعاع ۱۵ کیلومتری از محدوده شهر به عنوان شعاع بیشترین تأثیرپذیری تعیین و روستاهای واقع در این شعاع، با استفاده از نمونه‌گیری ناحیه‌ای، به مثابه نمونه‌های سطح نخست انتخاب شدند. بدین ترتیب، از میان ۳۶ روستای پیرامونی شهر زنجان، ۲۷ روستا که در این شعاع قرار داشتند، برگزیده شدند؛ از نظر اداری - سیاسی، ۲۶ روستای منتخب به بخش مرکزی و یک روستای دیگر به بخش قره پشته تعلق دارد.



نقشه ۱: محدوده مورد بررسی

در سطح دوم، نمونه‌گیری از خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه، با استفاده از فرمول کوکران^۱، به انجام رسید که بدین ترتیب، ۲۵۰ خانوار انتخاب شد؛ همچنین، خانوارهای روستایی به دو گروه، یعنی خانوارهای بومی و مهاجر تقسیم شدند. گردآوری اطلاعات و داده‌ها به روش میدانی و با بهره‌گیری از فنون پرسشنامه، مصاحبه منظم و مشاهده مستقیم، به انجام رسید. در ارزیابی وضعیت مسکن نیز از شیوه‌های تحلیل کیفی و کمی استفاده شد.

بستر محیطی و اجتماعی- اقتصادی محدوده مورد مطالعه

شهرستان زنجان، به مرکزیت شهر زنجان، یکی از هفت شهرستان استان زنجان است که دارای ۳ بخش، به نام‌های مرکزی، قره‌پستلو و زنجانرود است. این محدوده بین ۴۸° ۱۹' تا ۴۸° ۴۱' ۳۰

$$1. \quad n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pd}{d^2} - 1 \right)}$$

طول شرقی و $35^{\circ} 36'$ تا $36^{\circ} 45'$ عرض شمالی قرار دارد و متوسط ارتفاع آن ۱۷۷۳ متر از سطح دریا است. (معاونت برنامه‌ریزی استانداری زنجان ۱۳۸۷، ۴)

روستاهای مورد مطالعه، بخشی از روستاهای واقع در دهستان‌های معجزات، زنجانرود بالا، تهم، بناب و قره پشتلو هستند که با توجه به وضعیت توپوگرافی و ناهمواری محدوده، موقعیت استقرار آنها متفاوت و به صورتهای دشتی، کوهپایه‌ای و کوهستانی است. افزون بر این، شرایط اقلیمی حاکم بر منطقه، در مقیاس کلان، نیمه خشک فراسرد (متوسط بارندگی سالانه ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر و متوسط گرمای سالانه بین ۹ تا ۱۷ درجه سانتیگراد) است که با توجه به دخالت عوامل و عناصر محلی (موقعیت، توپوگرافی، رطوبت و...)، در مقیاس خرد، با تنوع نسبی همراه است. جمعیت محدوده مورد بررسی در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ به ترتیب ۱۲۸۰۵، ۱۴۵۶۷، ۱۴۲۸۷ و ۱۶۰۰۶ نفر و تعداد خانوار آن در همین سال‌ها، به ترتیب ۲۴۷۹، ۲۹۵۲، ۳۵۲۸ و ۴۸۳۲ است (داده‌های سرشماری‌ها؛ داده‌های مرکز بهداشت شهرستان زنجان، ۱۳۸۹). میانگین بعد خانوار طی همین سال‌ها، برابر با ۵/۷، ۵/۱، ۴/۲ و ۴/۳ است. رایج‌ترین فعالیت اقتصادی در روستاها همچنان کشاورزی است. دسترسی به اراضی کشاورزی نسبتاً وسیع و بهره‌گیری از آب مناسب (از جمله زنجانرود و رودخانه‌های فصلی دیگر)، زمینه رونق فعالیت‌های کشاورزی در سطح روستاها را فراهم آورده است. افزون بر آن، فعالیت دامداری هم به سبب نزدیکی به شهر زنجان، از رونق بالایی برخوردار است؛ ضمن اینکه بسیاری از روستانشینان به فعالیت‌های غیردستی، از جمله فعالیت‌های ساختمانی (گچکاری، برقکاری، پیمانکاری، سنگکاری و...)، رانندگی و صنعت‌گری (مکانیکی، جوشکاری، تعویض روغنی و...) می‌پردازند. با این وجود، اساس و پایه اقتصادی اکثر روستاهای پیرامون شهر زنجان کشاورزی است. در سال‌های اخیر برخی از روستاها، از جمله روستای گاوازننگ، کارکرد خدماتی (تفریحی - گردشگری) یافته‌اند.

نیروهای مؤثر در ساختار مسکن روستایی

در عرصه‌های مختلف مکانی - فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی بخشی به ساختار مسکن روستایی می‌شوند. برخی از این عوامل عبارت هستند از ساختار محیطی - اکولوژیک، سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه، مناسبات و روابط اجتماعی - اقتصادی، شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب، نوع و شکل خانواده‌ها و خانوارها، سنت‌های ساخت و ساز و دسترسی به مواد و مصالح، امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع و ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه. بدین ترتیب، شکل، الگو و عملکرد مسکن روستایی نمایانگر نحوه تعامل عوامل محیطی - اکولوژیک، مناسبات اجتماعی - اقتصادی، مجموعه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و روندهای مکانی - فضایی در بستر زمان است (سعیدی، ۱۳۹۰).

بدین ترتیب، به طور کلی، مهمترین جنبه‌هایی که در بررسی خانه‌های روستایی مورد توجه و تأکید قرار دارند، عبارتند از:

- وسعت کلی بنا و شکل فضاهای آزاد (مانند فضای حیاط، باغچه و مانند آن)؛
- شیوه ساخت و ارتباط الگو و مصالح با محیط بومی و محلی؛
- وسعت و فضا‌بندی براساس موارد مختلف کاربری؛
- تعداد اتاق‌ها و کارکردهای آنها؛
- ارتفاع یا تعداد طبقات بنا؛
- نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (مانند شبکه معابر، میدان و مانند آن) (سعیدی، ۱۳۷۸ الف، ص).

کارکردهای عام مسکن روستایی

مسکن روستایی از جنبه‌های گوناگون با مسکن شهری متفاوت است. مهمترین این جنبه‌ها به الگو و کارکردهای خانه‌های روستایی در مقابل خانه‌های شهری مربوط می‌شود. خانه‌های روستایی، برخلاف خانه‌های شهری که عمدتاً کارکردهای زیستی دارند، دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون هستند. این خانه‌ها برای ساکنان روستایی خود فضاهای لازم برای زندگی، کار و فعالیت، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات،

جدول ۱: ویژگی‌های عمومی روستاهای نمونه مورد بررسی

ردیف	نام روستا	جمعیت (نفر)			ارتفاع (م)	فاصله از شهر زنجان (کم) (۱۶۴۰ متر)
		۱۳۸۵		۱۳۸۸		
		نفر	خانوار	(نفر)		
۱	کوشکن	۵۶۸	۱۱۳	۴۱۶	۱۵۵۰	۶
۲	والارود	۴۸۲	۱۲۷	۴۹۶	۱۵۴۰	۹
۳	نظام آباد	۷۹	۱۷	۷۴	۱۵۳۰	۱۱
۴	چیر	۶۲۳	۱۶۵	۶۶۰	۱۵۴۰	۵
۵	پنبه جوق	۲۴۲	۵۸	۲۷۴	۱۶۷۰	۴/۵
۶	سلمانلو	۱۰۵	۲۶	۱۲۹	۱۷۵۰	۷
۷	دیزج بالا	۵۶۲	۱۶۶	۵۷۷	۱۶۸۰	۱۲
۸	زنگل آباد	۲۰۰	۵۰	۲۲۸	۱۹۲۰	۱۳/۵
۹	ازدهاتو	۱۲۷۶	۲۵۵	۱۳۹۱	۱۹۰۰	۱۲
۱۰	رازبین	۱۰۷۶	۲۲۶	۱۱۵۷	۱۷۱۵	۹
۱۱	آقچه پیره	۹۹	۱۹	۱۴۰	۱۶۴۰	۳
۱۲	سورمعلی	۴۸	۱۳	۴۴	-	۵
۱۳	حسن ابدالی	۲۷۶	۷۱	۲۳۴	۱۷۱۰	۱۴/۵
۱۴	قره تپه	۳۵۹	۷۱	۳۸۵	۱۶۵۰	۳
۱۵	سهله	۹۱۷	۱۸۳	۹۸۱	۱۵۷۰	۷
۱۶	سارمساقلو	۵۴۴	۱۰۸	۵۴۸	۱۵۴۰	۹
۱۷	نقطه بندی	۱۰۲	۲۲	۹۲	۱۷۰۰	۸
۱۸	کهناب	۶۵	۱۳	۸۷	-	۶
۱۹	دیزج آباد	۳۶۸۷	۹۲۷	۴۲۰۲	۱۸۱۵	۶/۵
۲۰	پایین کوه	۵۹۷	۱۴۱	۹۴۱	۱۹۱۰	۳
۲۱	جارچی	۳۹	۷	۳۸	۱۹۸۰	۴
۲۲	چوره ناب	۱۸۷	۳۹	۲۲۶	۱۸۹۵	۷/۵
۲۳	دواسب	۷۰۸	۱۵۴	۱۰۹۴	۱۹۵۰	۳
۲۴	زرنان	۳۲۱	۷۲	۳۶۰	۱۹۰۰	۱۲
۲۵	گاوازننگ	۳۲۳	۶۵	۴۱۷	۱۹۰۰	الحاق به شهر
۲۶	سایان	۲۲۱۷	۴۴۷	-	۱۶۵۰	الحاق به شهر
۲۷	همایون	۷۹۴	۱۹۷	۸۱۵	۱۸۸۰	۷

اجرای مراسم و مانند آن را مهیا می‌سازند. به این ترتیب، کارکردهای مختلف خانه‌های روستایی به طور کلی، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

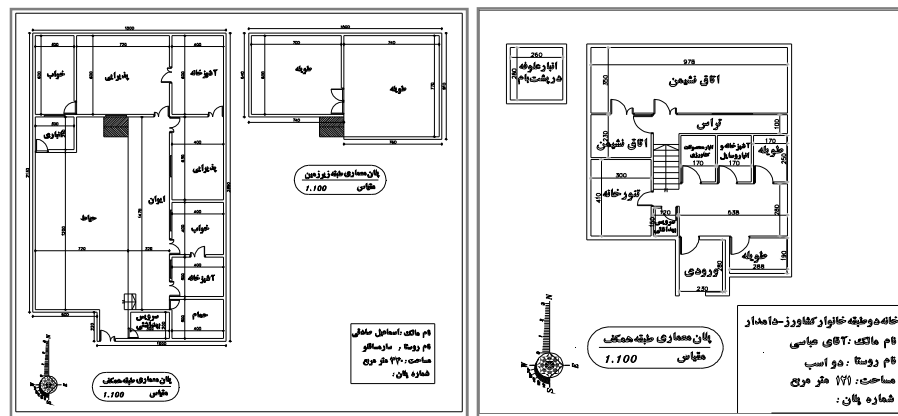
- کارکردهای زیستی؛
- کارکردهای اقتصادی (معیشتی- تولیدی)؛ و
- کارکردهای تدارکاتی.

هر یک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که در همه موارد، کارکرد فضاهای گوناگون واحدهای مسکونی روستایی به طور کامل از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. به عنوان مثال، ممکن است در اتاق نشیمن که کارکرد اصلی آن زیستی است، فعالیت تولیدی، مثلاً قالیبافی نیز به انجام رسد که کارکرد این فضا در این صورت، زیستی- اقتصادی خواهد بود (سعیدی، ۱۳۸۷ الف).

انواع واحدهای مسکونی روستایی

خانه‌های روستایی محدوده مورد بررسی را بر پایه ویژگی‌های ساختاری- کارکردی و روندهای تحولی آنها می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- الف) خانه‌های سنتی، برخوردار از کارکردها و فضاهای متنوع؛
- ب) خانه‌های در حال گذار، با مخلوطی از کارکردهای سنتی و نو؛ و
- ج) خانه‌های جدید به شیوه شهری، با کارکرد غالب زیستی.



نمودار ۱: پلان خانه‌های سنتی (دو طبقه) در روستاهای دواسب و سارمساقلو

الف) خانه‌های سنتی

خانه‌های سنتی در عرصه‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی اغلب در دو طبقه ساخته شده‌اند. در این نوع خانه‌ها طبقه زیرین به نگهداری دام، تنورخانه، انبار محصولات کشاورزی و اسباب و اثاثیه، آشپزی و استحمام و سرویس بهداشتی اختصاص دارد و طبقه رویین، متشکل از اتاق‌ها و تالار (تراس)، مورد استفاده خانوار است. این تفکیک به خوبی بیانگر جدایی فضاهای دامی و انسانی است. به دلیل عدم اتصال به زمین از یک‌سو، و از سوی دیگر، به دلیل تنفس و سوخت و ساز بدن حیوانات، از سوی دیگر، طبقه رویین در فصل زمستان معمولاً گرم‌تر می‌ماند. (زرگر، اکبر، ۱۳۸۶) وجود این گونه خانه‌های دو طبقه سنتی در اغلب روستاهای مورد مطالعه، از جمله سایان، رازبین، دواسب، سارمساقلو، آقچه پیره، کوشکن و والارود به چشم می‌خورند. (نمودار شماره ۱) در خانه‌های یک طبقه سنتی که عموماً نسبت به واحدهای سنتی دو طبقه مساحت بیشتری دارند، همان کارکردها و فضاها مشهود است.

مواد و مصالح مورد استفاده در خانه‌های سنتی عمدتاً سنگ، خشت، چوب و گل است. البته از چند سال پیش به این سو، برای پوشش بام این خانه‌ها از ایزوگام و یا آسفالت استفاده می‌شود. به همین ترتیب، دیوارهای بیرونی برخی از این واحدها با پوششی از سیمان تعمیر شده است. درون فضاهای سکونتی با پوششی از گچ و یا کاهگل پوشانده شده است. فضای آشپزخانه در طبقه زیرین عمدتاً در فصل زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد و در فصل تابستان آشپزی در بیرون از این فضا، یعنی در حیاط و یا ایوان به انجام می‌رسد.

محیط و برخی عناصر سنتی مسکن روستایی

از ویژگی‌های مسکن روستایی اجزاء و عناصر گوناگونی است که کلیت آن را تشکیل می‌دهد. حضور این اجزا و عناصر که اغلب در سازگاری با بستر محیطی - زیستی برپا شده‌اند، در سکونتگاه‌های سنتی که کمتر در معرض شهرگرایی قرار داشته‌اند، هنوز هم مشهود است.

الف) کوچک بودن نورگیرها و پنجره‌ها به منظور سازگاری با اقلیم در روستاهای پایکوهی

ب) وسعت نورگیرها و در و پنجره‌ها به منظور سازگاری با اقلیم در روستاهای دشتی



روستای اژدهاتو



روستای چوره‌ناب

تصاویر ۱: مقایسه نورگیرها و بازشوها در روستاهای کوهپایه‌ای و دشتی

بازشو و نورگیر در خانه‌های سنتی

در روستاهای کوهپایه‌ای یا کوهستانی و دشتی، تفاوت‌هایی از لحاظ اندازه و ابعاد بازشوها و نورگیرها و یا روزنه‌های موجود در سقف که پاچا خوانده می‌شوند، به چشم می‌خورد. بر این پایه، کوچکی ابعاد و اندازه پنجره‌ها و سطح شیشه‌خور آن‌ها مبین سازگاری با شرایط اقلیمی است. در مقابل، ابعاد بازشوها و سطح شیشه خور پنجره‌ها در روستاهای دشتی بیشتر بوده و علاوه بر استفاده از پنجره‌های بزرگ، گاهی از نورگیرهای پاسیو مانند نیز در بام مسکن استفاده می‌شود. (تصاویر شماره ۱)

به همین ترتیب، روزنه‌های موجود در سقف واحد مسکونی (پاچا) با توجه به فضاهای مختلف، عملاً کارکرد متفاوتی را برعهده دارند: پاچای موجود بر سقف تنورخانه که قاعدتاً عمود بر تنور تعبیه می‌شود، دود ناشی از پخت و پز را به بیرون هدایت می‌کند، اما پاچاهای موجود بر سقف فضاهای زیستی، همچون اتاق نشیمن، و یا بر فراز سقف آغل و فضاهای دامی، کارکرد تهویه را برعهده دارد.

ایوان و کارکردهای آن در خانه‌های سنتی

ایوان در خانه‌های روستایی فضایی چند منظوره بشمار می‌آید که در اغلب موارد، کارکردهای گوناگونی را برعهده می‌گیرد. عنصر ایوان در اغلب خانه‌های متعارف روستایی در محدوده

مورد بررسی، هم در روستاهای کوهپایه‌ای و هم دشتی مشاهده می‌شود، هرچند این عنصر در بسیاری از واحدهای نوساز حذف شده است. کارکرد اصلی ایوان از لحاظ اقلیمی، جلوگیری از تابش خورشید به بدنه اتاق‌ها، درها و پنجره‌هاست.



تصویر ۲: استفاده فراوان از عنصر ایوان در روستای سارمساقلو

بنابراین، ساخت ایوان در معماری سنتی با جهت‌گیری عمومی بنا نسبت به تابش آفتاب به انجام می‌رسد. (نک: زرگر، ۱۳۸۶) بدین ترتیب، در فصل تابستان که آفتاب به هنگام نیمروز به صورت عمودی می‌تابد، سایه مطلوبی در جلوی اتاق‌ها و محل نشیمن ایجاد می‌شود، حال آنکه در فصل زمستان، وجود ایوان از یک سو، مانع ریزش برف و باران به جلوی اتاق‌ها می‌شود و از سوی دیگر، با توجه به زاویه مایل و افقی تابش در این فصل، آفتاب با تابش در سطح ایوان، تا عمق اتاق‌ها نفوذ کرده، گرمای مطلوبی را در فضاهای درونی ایجاد می‌کند. عنصر ایوان در برخی روستاها، از جمله روستای سارمساقلو، هنوز به عنوان یکی از عناصر برجسته خانه‌های روستایی بشمار می‌آید. (تصویر شماره ۲)

بام واحدهای مسکونی سنتی

بهره‌گیری از بام خانه‌ها، به طور سنتی، به صورت‌های مختلف به انجام می‌رسد. در روستاهای مورد بررسی، بجز بهره‌گیری از بام به مثابه محلی برای خشک کردن خشکبار، انبار نمودن علوفه زمستانی در پشت بام‌ها رواج دارد. این کار به دو دلیل عمده صورت می‌گیرد:

- جلوگیری از نفوذ سرما، به ویژه سرمای ناشی از بارش برف، به داخل بنا؛ و
- بهره‌گیری بهینه از فضاهای در دسترس.

البته، همگام با دگرگونی‌های اخیر، در بعضی از روستاها، از جمله در دیزج‌آباد، برخی خانوارها ضمن نوسازی یا مقاوم‌سازی خانه‌های خود، به منظور پیشگیری از اعتراض ساکنان واحدهای مجاور مبنی بر پخش علوفه به هنگام وزش باد و ریختن آن در حیاط خانه همسایگان، فضاهای جدیدی، اغلب در دو طبقه، ساخته و علوفه را در آنجا نگهداری می‌کنند.

زاغه یا محل سنتی نگهداری دام

زاغه یا محل نگهداری دام، به ویژه در فصل سرد، از عناصری است که در اغلب روستاهای کشور، به خصوص روستاهای پایکوهی و کوهستانی، به چشم می‌خورد. زاغه در عرصه‌های مختلف روستایی به اشکال متفاوت، در درون بافت و یا در حاشیه و پیرامون روستا استقرار می‌یابد. زاغه‌ها در محدوده مورد بررسی اغلب در داخل روستا و زیر حیاط خانه‌ها تعبیه می‌شوند. ساختار زاغه در این روستاها متشکل از یک راهروی زیرزمینی شیبدار و فضای نگهداری دام است. البته، فضای اصلی، یعنی محل نگهداری دام، به فضاهای فرعی تفکیک می‌شود که هر یک از آنها قاعداً به نگهداری نوعی از دام، بزرگ یا کوچک و همچنین، بعضاً به محل نگهداری علوفه اختصاص دارد. زاغه‌ها دارای منفذی برای تهویه هوای درون آن است. این دریچه‌های تهویه در فضای باز روستاها، به صورت برجستگی‌هایی به چشم می‌آیند. (تصویر شماره ۳) همراه با دگرگونی‌های کالبدی و اجتماعی-اقتصادی، این گونه فضاها در بسیاری از روستاهای محدوده حذف و بعضاً به فضاهای دفن زباله تبدیل شده‌اند.

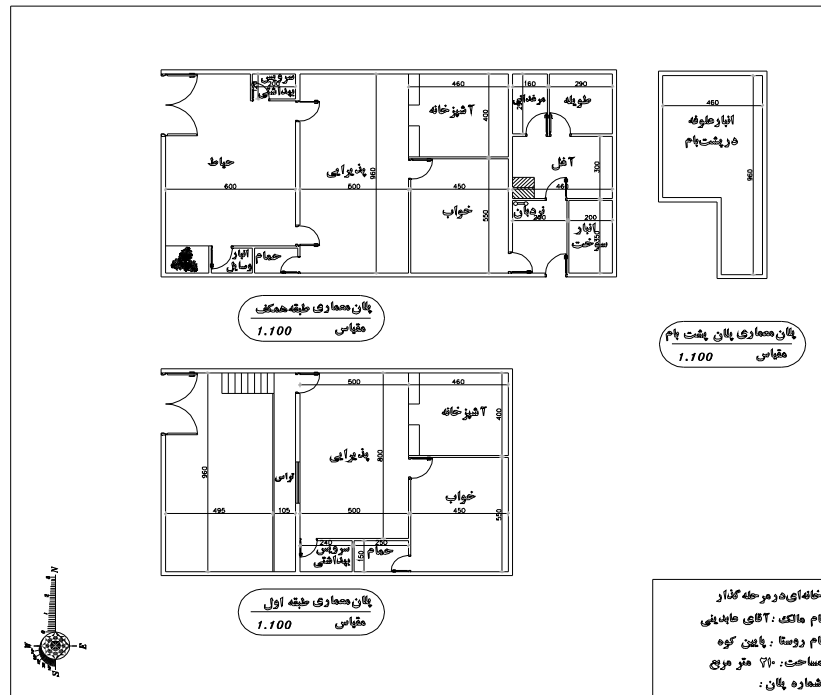
با این حال، هنوز هم وجود زاغه‌ها در برخی روستاها، از جمله روستاهای کهناب، دیزج بالا، سهله، نقطه‌بندی و قره تپه مشهود است.



تصاویر ۳: نمونه‌ای از فضای بیرونی زاغه‌ها در روستای دیزج بالا

ب) خانه‌های در حال گذار

خانه‌های در حال گذار خانه‌هایی هستند که در همان محل استقرار پیشین، بازسازی یا مقاوم‌سازی شده‌اند. اولین ویژگی این گونه خانه‌ها، تفکیک مکانی فضاهای زیستی از سایر فضاها، از جمله فضاهای دامی، در عرصه واحد مسکونی است. به سخن دیگر، در این واحدها ضمن برپایی واحد سکونتی به شیوه شهری، شامل اتاق نشیمن، پذیرایی، آشپزخانه، آبن، حمام و سرویس بهداشتی در یک سمت عرصه، فضاهای دامی، از جمله آغل، انبار وسایل کشاورزی، سوخت یا علوفه، در بخش دیگر از عرصه واحد مسکونی تعبیه می‌شوند. از جالبترین نکات قابل توجه در خانه‌های در حال گذار، تأکید بر تغییر در بعضی عناصر و اضافه کردن عناصر شهری است. تغییر شکل فضای پخت و پز و ایجاد آشپزخانه آبن از این گونه تغییرات است. به همین ترتیب، فضاهای مختص هال و پذیرایی که اغلب مساحت بیشتری را نسبت به دیگر فضاهای اعیانی اشغال می‌کند، به عناصر جدید اضافه شده است. البته، عنصر تنورخانه هم در خانه‌های سنتی و هم در خانه‌های در حال گذار، کارکرد خود را در روستاهای دارای نانوایی (۱۴ روستا) از دست داده است.



نمودار ۲: پلان خانه‌ای در حال گذار در روستای پایین کوه

به سخن دیگر، پخت نان در خانه‌های روستایی که پیش از این بسیار رواج داشت، بندرت به انجام می‌رسد. (نمودار ۲) ضمن آنکه در روستاهایی که فاصله آنها از شهر زنجان کمتر از ۵ کیلومتر و یا دسترسی آنها به شهر زنجان مناسب‌تر است، علیرغم عدم وجود نانوائی، پخت نان صورت نمی‌گیرد و روستاییان- ترجیحاً- نان مورد نیاز خود را از شهر تهیه می‌کنند. روستاهای کوشکن، نظام‌آباد، پنبه‌جوق سورملی، آقچه پیره، جارچی و گاوازنگ از جمله این روستاها هستند. با این وجود، در روستاهای سلمانلو، زنگل‌آباد، قره‌تپه، نقطه‌بندی، کهناب و چوره‌ناب، به سبب نبود نانوائی، پخت نان در اکثر خانه‌ها صورت می‌گیرد و تنورخانه‌ها همچنان کارکرد خود را حفظ نموده‌اند.

در مواردی که می‌توان از آن به عنوان موارد حاد یاد کرد، دگرگونی خانه‌های روستایی در مقیاسی است که خواه‌ناخواه به تغییر نوع فعالیت و معیشت ساکنان منجر می‌شود. البته، خانوارهایی که از پیش در جستجوی تغییر نوع معیشت خود بوده‌اند، قاعدتاً برپایی این گونه واحدهای مسکونی رواج دارد.

ج) خانه‌های شهری

این گونه خانه‌ها واحدهایی هستند که با گرده‌برداری کامل از الگو و طرح خانه‌های شهری ساخته شده‌اند. مصالح مورد استفاده و نحوه ساخت این دسته از مساکن کاملاً شهری است. ویژگی بارز این خانه‌ها، حذف کارکردهای اقتصادی واحدهای متعارف روستایی است. یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که خانه‌های نوساز روستایی عموماً دو یا سه طبقه ساخته می‌شوند. تخصیص فضای بیشتر برای پذیرایی و هال، آشپزخانه آپن و کاهش فضاها (اتاقها) دیگر از ویژگی‌های بارز این واحدهاست. در این گونه واحدها، تعداد اتاق‌های خواب از یک تا سه اتاق متغیر است. اسباب و عناصر مورد استفاده در برخی از این نوع خانه‌ها، نه تنها کاملاً شهری، بلکه قابل مقایسه با خانوارهای متوسط شهری است (پلان ۳ و تصویر ۴).

خانوارهای ساکن در چنین واحدهایی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی از ساکنان که با حفظ خانه سنتی قبلی، به ساخت واحد جدید (شهری) اقدام کرده‌اند؛ در نتیجه، خانه قبلی یا محل کارکردهای اقتصادی - تدارکاتی (نگهداری دام، انبار علوفه و...) است و یا به اجاره داده شده است. گروه دیگر، خانوارهایی هستند که به فعالیت اقتصادی جدید در کارهای ساختمانی، مانند کاشیکاری، گچکاری، سنگکاری و ... روی آورده‌اند و یا به فعالیت‌های خدماتی، همچون رانندگی، می‌پردازند؛ در نتیجه، فعالیت کشاورزی، بخصوص زراعت و دامداری را رها نموده‌اند.

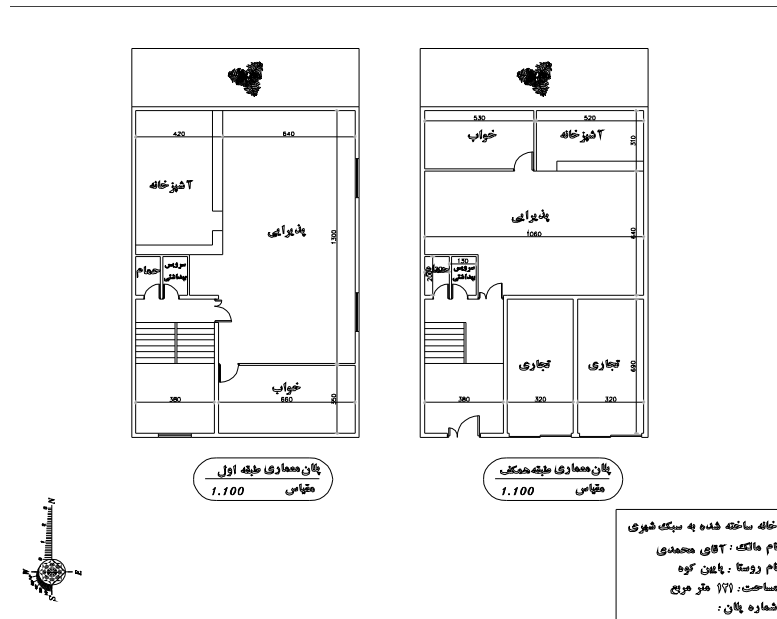


روستای دیزج‌آباد



روستای حسن ابدال

تصاویر ۴: واحدهای نوساز روستایی به شیوه خانه‌های شهری



نمودار ۳: پلان خانه‌ای به شیوه خانه‌های شهری در روستای پایین کوه

دگرگونی اجتماعی- اقتصادی و تحول مسکن روستایی

بدین ترتیب، با گسترش شهرزدگی و ورود "ارزش‌های" به اصطلاح شهری به محیط‌های روستایی، برخی اجزای ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی نیز دگرگون شده است. به سخن دیگر، گسترش دامنه ارتباط با شهر، نه تنها ساختار کالبدی، بلکه فضاها و نحوه فضابندی خانه‌های روستایی را به شدت زیر تأثیر گرفته است. این دگرگونی‌ها در موارد زیر قابل ردیابی است:

- وسعت و تعداد طبقات خانه‌ها؛
- معماری و نحوه ساخت و ساز؛
- بهره‌گیری از مواد و مصالح جدید و به اصطلاح "مقاوم"؛
- کارکردهای مختلف خانه‌های متعارف روستایی؛
- فضابندی درون خانه (زیستی، معیشتی، خصوصی و...); و
- اسباب منزل و نحوه آرایش فضاها درونی.

وسعت و تعداد طبقات واحدهای مسکونی

بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که واحدهای نوساز روستایی که با الگوبرداری از خانه‌های شهری ساخته می‌شوند، هم از نظر سیما و نمای ظاهری و هم از لحاظ وسعت و تعداد طبقات با واحدهای سنتی تفاوت‌های بارزی دارند. این تفاوت‌ها در نخستین نگاه هم مشهود هستند. از سوی دیگر، واحدهای نوساز به طور میانگین، به اندازه نیمی از وسعت خانه‌های سنتی، مساحت دارند. از مهمترین علل این واقعیت، حذف کامل فضاهای کارکردی سابق، بویژه کارکردهای اقتصادی واحد مسکونی است. افزون بر این، سکونت اقشار کم درآمدتر و مهاجران تازه وارد شهری و روی آوری آنها به ساخت، خرید و یا اجاره مسکن در محیط‌های روستایی نزدیک به شهر است.

البته بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، مساحت برخی از واحدهای نوساز در بعضی محیط‌های روستایی که اقشار فقیرتر را در خود جای می‌دهند، بسیار ناچیز است؛ برای نمونه، وسعت فضای مسکونی در روستای دو اسب تا ۳۰ مترمربع، در روستاهای پنبه‌جوق، آقچه پیره، دیزج‌آباد و سایان تا ۴۰ مترمربع و در روستای والارود تا ۵۰ مترمربع می‌رسد. این گونه واحدها اغلب به ساکنان (مهاجر) شهر زنجان تعلق دارد که به سبب درآمد ناچیز قادر به پرداخت اجاره و یا خرید مسکن در شهر نبوده و با توجه به فاصله کم روستاهای پیرامونی، بعضاً بدون مجوزهای لازم و به صورت غیراستاندارد، حتی در حریم رودخانه‌ها، اقدام به ساخت واحدهای مسکونی کرده‌اند.^۱ البته، وسعت فضای مسکونی واحدهای نوساز، بنا بر وضعیت اقتصادی خانوارهای ساکن، بسیار متفاوت است. برای نمونه، حداکثر وسعت این فضاها در روستاهای دو اسب و دیزج‌آباد به ۳۰۰ مترمربع و در روستای والارود به ۴۰۰ مترمربع می‌رسد. بر همین پایه، میانگین حداقل و حداکثر فضای مسکونی در روستاهای مورد بررسی به ترتیب برابر حدود ۹۰ و حدود ۱۷۷ مترمربع است؛ این در حالی است که این دو رقم برای واحدهای سنتی به ترتیب برابر حدود ۱۵۰ و ۶۴۰ مترمربع بوده است (جدول شماره ۲).

۱. بر پایه مقررات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان زنجان، لازمه صدور پروانه و مجوز ساخت و برخورداری از تسهیلات بانکی در ساخت مسکن در چهار روستای دیزج‌آباد، رازین، دو اسب و پایین‌کوه که از مهاجرپذیری بیشتری برخوردارند، رعایت حداقل مساحت واحد مسکونی، یعنی ۱۵۰ مترمربع، الزامی است. این حداقل مساحت تا چند سال پیش در این روستاها ۳۰۰ مترمربع بود، اما در ۵ سال اخیر به ۱۵۰ مترمربع کاهش یافته است.

جدول ۲: خانه‌های قدیمی و جدید در روستاهای پیرامون شهر زنجان

ردیف	نام روستا	میانگین مساحت واحدهای مسکونی (مترمربع)					
		جدید			قدیمی		
		حداقل	حداکثر	متوسط	حداقل	حداکثر	متوسط
۱	کوشکن	۸۰	۲۸۰	۱۸۰	۱۵۰	۵۰۰	۳۲۵
۲	والارود	۵۰	۴۰۰	۲۲۵	۱۵۰	۵۰۰	۳۲۵
۳	نظام آباد	۱۵۰	۳۵۰	۲۵۰	۱۵۰	۶۰۰	۳۷۵
۴	چپر	۶۰	۲۰۰	۱۳۰	۳۰۰	۱۰۰۰	۶۵۰
۵	پنبه جوق	۴۰	۲۰۰	۱۲۰	۱۵۰	۷۰۰	۴۲۵
۶	سلمانلو	۱۵۰	۳۰۰	۲۰۰	۱۲۰	۴۰۰	۲۶۰
۷	دیزج بالا	۱۲۰	۲۵۰	۱۸۰	۲۵۰	۵۰۰	۳۵۰
۸	زنگل آباد	۶۰	۱۲۰	۹۰	۱۲۰	۵۰۰	۲۸۰
۹	اژدهاتو	۱۰۰	۲۵۰	۱۷۵	۲۰۰	۱۵۰۰	۷۵۰
۱۰	رازمین	۸۰	۲۱۵	۱۵۰	۹۵	۳۲۵	۲۴۰
۱۱	آقچه پیره	۴۰	۱۰۰	۷۰	۵۰	۳۵۰	۱۰۵
۱۲	سورمعلی	۱۲۰	۴۰۰	۲۵۰	۱۴۰	۳۰۰	۱۶۰
۱۳	حسن ابدال	۱۳۰	۲۵۰	۱۶۰	۱۰۰	۴۵۰	۳۰۰
۱۴	قره تپه	۹۰	۱۷۰	۱۳۰	۱۲۰	۷۵۰	۴۳۵
۱۵	سهله	۸۰	۴۰۰	۱۸۰	۱۰۰	۵۰۰	۲۸۰
۱۶	سارمساقلو	۱۲۵	۵۰۰	۲۵۰	۲۰۰	۱۰۰۰	۳۵۰
۱۷	نقطه بندی	۲۵۰	۶۰۰	۴۲۵	۴۰۰	۱۰۰۰	۷۰۰
۱۸	کهناب	۸۰	۱۶۵	۱۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۳۰۰
۱۹	دیزج آباد	۴۰	۳۰۰	۱۷۰	۱۰۰	۷۰۰	۴۰۰
۲۰	پایین کوه	۶۰	۳۵۰	۲۰۵	۱۵۰	۶۰۰	۳۷۵
۲۱	جارچی	۶۰	۱۵۰	۱۰۰	۷۰	۳۰۰	۱۵۰
۲۲	چوره ناب	۱۰۰	۲۵۰	۱۲۵	۳۰۰	۱۰۰۰	۶۵۰
۲۳	دواسب	۳۰	۳۰۰	۱۶۵	۱۵۰	۸۵۰	۵۰۰
۲۴	زرنان	۲۰۰	۵۰۰	۳۵۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۵۵۰
۲۵	گاوازنک	۳۰	۲۰۰	۱۱۵	۵۰	۷۰۰	۳۷۵
۲۶	سایان	۴۰	۱۸۰	۱۲۰	۷۰	۲۵۰	۱۸۰
۲۷	همایون	۶۰	۲۰۰	۱۳۰	۱۵۰	۵۰۰	۳۲۵
جمع / میانگین		۸۹/۸	۲۸۰/۷	۱۷۶/۵	۱۴۹/۴	۶۳۹/۸	۳۷۴/۶

مأخذ: براساس سرشماری رسمی ۱۳۸۵ و برداشت‌های میدانی ۱۳۸۸

ویژگی‌های عام خانه‌های جدید

علاوه بر تحول در نمادها و نشانه‌های درون خانه‌ها، عناصر و اجزای کالبدی خانه‌های روستایی نیز متحول شده‌اند. تا چند سال پیش، استفاده از مصالح ساختمانی بر پایه شرایط و خصوصیات محیطی - اکولوژیک بود و خانه‌های روستایی هویت بوم‌شناختی داشتند. این در حالی است که هم اکنون، شاهد کاربرد مصالح ساختمانی یکنواخت و به کارگیری یکسان آنها در اقلیم‌ها و شرایط طبیعی متفاوت هستیم. بنابراین، نوگرایی به اشکال مختلف سبب تغییر فرم، کارکردها و فضابندی درون خانه شده است. از ویژگی‌های آن دسته از مسکن جدید روستایی پیرامون شهر زنجان که با گرت‌برداری از مسکن شهری و به شیوه جدید ساخته می‌شوند، می‌توان موارد زیر را نام برد:

- کوچک بودن مساحت؛
- افزایش طبقات؛
- حداکثر استفاده از فضا؛
- تفکیک کارکردی فضاها و اختصاصی‌تر شدن فضاها؛
- افزایش دید و اشراف خانه‌ها به یکدیگر؛ و
- افزایش بازشوها و پنجره‌ها به فضای عمومی.

تحول در فضابندی و کارکرد خانه‌های روستایی

واقعیت این است که در خانه‌های روستایی که به سبک جدید ساخته می‌شوند اکنون در بسیاری مواقع آن تناسب تاریخی و سنتی بین فضای فرهنگی و خانه از میان رفته است. همچنان‌که به نحو آشکار می‌بینیم، خانواده‌های روستایی مانند خانواده‌های شهری، بی‌توجه به باورها و ارزش‌های حاکم بر اجتماعات روستایی، ایجاد آشپزخانه باز (آپن) را پذیرفته‌اند و دیگر فضاهای اندرونی و بیرونی در خانه‌های روستایی مانند گذشته اهمیت ندارد. هر چند که عنصر آشپزخانه در گذشته به نحوی در برخی از خانه‌های روستایی وجود داشتند؛ در گذشته معمولاً برای طبخ غذا در تابستان از ایوان و غلام گردشی و در زمستان از اتاق نشیمن و یا محل انبار وسایل استفاده می‌شد. یافته‌های تحقیقات میدانی و مشاهدات نشان می‌دهد که



روستای چیر



روستای نقطه‌بندی



روستای قره تپه



روستای دو اسب

تصاویر ۵: ایجاد فضای آشپزخانه اوپن در سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی

ایجاد و رشد فضای آشپزخانه در سکونتگاه‌های روستایی دشتی که موقعیت دسترسی بهتری را نسبت به روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی داشته‌اند و در نتیجه به تبع موقعیت استقرار مطلوب، روند الگوپذیری و گرایش به پدیده‌های نو نیز در میان ساکنان این سکونتگاه‌ها بیشتر بوده است لذا ایجاد فضای آشپزخانه در چنین روستاهایی قبل از سال ۱۳۶۸ نیز متداول بوده است به نحوی که بسیاری از خانوارهای مورد مطالعه در این روستاها اظهار داشته‌اند که در سال ۱۳۶۸ (که سال پایه برای این تحقیق بشمار می‌رود)، دارای فضای آشپزخانه با فضا و کارکرد مجزا بوده‌اند.

ظهور پدیده تجاری شدن خانه‌های روستایی از دیگر مقولاتی است که بایستی در روند تغییر سبک زندگی به آن توجه نمود. این پدیده در روستاهای دو اسب، پایین‌کوه، دیزج‌آباد و سایان نمود بیشتری دارد. دو روستای اول که فاصله آنها تا شهر زنجان کمتر از ۵ کیلومتر است، در جهت گسترش فیزیکی شهر زنجان قرار دارند. روستای دیزج‌آباد نیز دارای جمعیتی بیش از

۴۰۰۰ نفر است و مردم در مراجعات اقتصادی و روزانه خود، پس از شهر زنجان، به خود این روستا مراجعه می‌نمایند. روستای سایان نیز اکنون جزء محدوده شهر زنجان محسوب می‌شود. (تصویر ۶)



تصویر ۶: تجاری شدن بخشی از بناهای مسکونی (نمونه روستای دواسب)

بنابراین یکی دیگر از عواملی که در سبک زندگی و تحول خانه نقش زیادی داشته است، غلبه ارزش‌های سرمایه‌دارانه است. زمانی که نگرش اقتصادی و کمی در جامعه روستایی حاکم باشد، به تبع آن کالبد روستا نیز متحول خواهد شد و سکونتگاه‌های روستایی همگونی و انسجام کالبدی خود را از دست خواهند داد. علاوه بر این، خانه‌ها، بخصوص خانه‌های جدید، دیگر امنیت گذشته را ندارند، چرا که از یک سو، بزهکاری‌های شهری، همچون سرقت، مصرف مواد مخدر و... در آن گسترش می‌یابد و از سوی دیگر، پلیس و نهاد کلانتری در روستا وجود ندارد. ناگزیر مردم درها و دیوارهای مساکن خود را برخلاف گذشته ایمن‌تر می‌سازند و نسبت به رفت و آمدهای درون مساکن حساستر شده‌اند. بدین‌سان، مسأله امنیت خانه‌ها به صورتی جدی در آمده است. این در حالی است که تا چند سال پیش، معمولاً درب خانه‌های روستاییان اغلب باز بود و روستاییان با اعتماد کامل در درون جامعه خود، با یکدیگر رفت و آمد داشتند.

افزون بر این، ورود خودرو و ماشین‌آلات به جوامع روستایی، تغییرات زیادی در این جوامع ایجاد کرد. به عنوان مثال، زمانی که ابزاری نظیر تراکتور و یا وسایل نقلیه بزرگتر، مانند نیسان، کامیونت، کامیون و ماشین‌های کشاورزی، وارد عرصه روستا شد، نیاز به عریض شدن معابر،

نصب درهای بزرگتر و مقاومتر، اغلب آهنی، و اضافه شدن فضاهایی مانند انبار یا گاراژ را شاهد هستیم. (تصاویر ۷)



روستای نقطه‌بندی



روستای قره‌تپه

تصاویر ۷: ایجاد فضاهای جدید با ورود ماشین‌های کشاورزی و وسایل نقلیه

براساس تحقیقات میدانی، استفاده از تلویزیون رنگی در تمام خانه‌های روستایی رواج داشت و استفاده از تلویزیون‌های سیاه و سفید مشاهده نشد. حتی طرح سؤال اینکه «آیا از تلویزیون سیاه و سفید استفاده می‌نمایید؟» نیز سبب تعجب روستاییان می‌شد. افزون بر این، خرید و استفاده از تلویزیون‌های جدیدتر با صفحه نمایش بزرگتر (LCD) به نحوی رقابت‌آمیز، در بین خانوارهای روستایی رو به افزایش است.



روستای چیر



روستای دیزج‌آباد



روستای کوشکن



روستای پنبه جوق

تصاویر ۸: تغییرات سبک زندگی در نتیجه ورود تکنولوژی، فناوری و....

در ارتباط با دامنه استفاده از ابزار نوین اطلاعاتی، می توان از استفاده از برنامه های ماهواره ای و اینترنت یاد کرد. گرچه بسیاری از پرسش شونده گان به هنگام پرسشگری (با توجه به شرایط دوره زمانی ۸۸-۱۳۸۹) در باره استفاده از ماهواره، با احتیاط پاسخ می دادند و تنها ۱۵/۶٪ از آنان پاسخ مثبت دادند، اما شواهد حاکی از بهره گیری رو به افزایش از این وسیله ارتباطی-اطلاعاتی است. به همین ترتیب، استفاده از اینترنت نیز بتدریج رو به افزایش است. براساس یافته های میدانی، ۱۵/۶٪ از پرسش شونده گان اظهار داشتند که از کاربران اینترنت هستند که از آن میان، ۴/۴٪ در منزل خود در روستا و ۹/۶٪ از کافی-نت های شهر زنجان استفاده می کنند؛ ۱/۶٪ بقیه اظهار داشتند که از اینترنت هم در منزل خود در روستا و هم در کافی-نت های شهر زنجان بهره می جویند. استفاده کنندگان از اینترنت عمدتاً جوانان و نوجوانان هستند. براساس مشاهدات میدانی می توان اظهار داشت، ورود ابزارهای ارتباطی و فناوری های جدید، از جمله تلویزیون، ماهواره و اینترنت به محیط های روستایی، به نوبه خود، هرچند به طور غیرمستقیم، زمینه ساز تشدید روند دگرگونی در اجزا و عناصر ساختاری-کارکردی سکونتگاه های روستایی، بویژه ساخت و ساز مسکن و آرایش درونی خانه ها شده است. افزون بر این، ورود ارزش های تازه و افول ارزش های جمعی-سنتی و همچنین، رواج گرایش های فردگرایانه در محیط های روستایی، به نحو آشکار و پنهان، مشهود است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شکل‌گیری اجزا و عناصر بافت و مسکن روستایی قاعداً منبث از ویژگی‌های محیطی - اکولوژیک و شرایط اجتماعی - اقتصادی است. بر همین پایه، ساختار و کارکرد خانه‌های روستایی در محدوده مورد مطالعه تا چند دهه پیش از همین قواعد پیروی می‌کرد، یعنی بیشتر بر عوامل و نیروهای درونی جامعه روستایی استوار بود. در پی دگرگونی‌های دهه‌های اخیر، فضاهای روستایی نیز دستخوش تحول و دگرگونی شده‌اند. در این میان و براساس یافته‌های پژوهش حاضر، شدت تحول در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها، بشرط امکان دسترسی، بیشتر بوده است. در واقع، با گسترش دامنه جریان‌های مختلف شهری - روستایی و افزایش دسترسی نقاط روستایی به شهرها که عمده‌تاً "کانون‌های نوآوری و تحول" بشمار می‌آیند، روستاها و عناصر کالبدی - فضایی آنها نیز دچار تغییر و تحول شده‌اند؛ تحول در شکل و کارکرد مسکن روستایی پیرامون شهرها از جمله این دگرگونی‌هاست. این موضوع را در مسکن نوساز و جدیدتر، از جمله در روستاهای مورد مطالعه، بخوبی می‌توان مشاهده نمود. تغییر به خودی خود گیرناپذیر است. با این وجود، گسترش خود بخودی و یا نسجیده این تغییرات، در اغلب موارد، تناسب و سازگاری بین شرایط طبیعی، فرهنگ و آداب بومی و شکل بافت و اجزای واحدهای مسکونی را از میان برداشته است. بدین ترتیب، طی سه دهه اخیر، در کنار ترغیب شهرنشینی و بویژه همگام با گسترش روابط روستایی - شهری و به نوعی، افزایش روند شهرزدگی، تحول در فعالیت‌ها و مناسبات اجتماعی - اقتصادی و در پی آن، دگردیسی بافت عمومی و دگرگونی شکل مسکن روستایی، در کنار شکل‌گیری فضاهای جدید با کارکرد شهری، آشکارا، مشهود است.

منابع

۱. زرگر، اکبر (۱۳۷۷)، دیباچه‌ای بر معمار روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۲. سعیدی، عباس (۱۳۷۳)، "الزامات ساخت و ساز مسکن روستایی"
۳. سعیدی، عباس (۱۳۷۵)، الگوها و شیوه‌های سکونت‌گزینی در مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان،
UNDP / بنیاد مسکن، تهران
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۷- الف)، مسکن روستایی، در: سعیدی، عباس (سر ویراستار)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات دانشنامه بزرگ فارسی/سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران، صص
۵. سعیدی، عباس (۱۳۸۷- ب)، روربان، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ... صص
۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۷- ج)، روابط شهر و روستا، در: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ... صص
۷. سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، تهران؛
۸. سعیدی، عباس و شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۹۰)
۹. سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۹۰)
10. Boal, F. and Livingstone, D. (1989), the behavioral environment. Routledge, London
11. Cater, J. and Jones, T. (1989), Social geography and introduction to contemporary issues, London: Edward Arnold publishers
12. Herbert, D.T. and Smith, D.M. (eds) (1989), Social problems and the city, 2. Edition. Oxford: oxford university press
13. Iaquina, D.L. & A. W. Drescher, A.W. (2000), "Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts," in: Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association (August 1, 2000), Rio de Janeiro
14. Jerve, A.M. (2001), "Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis," in: Choices for the Poor, UNDP, Oslo (Norway), pp. 89-120
15. Johnston, R.J, Derek Gregory and David M. Smith (1994), The Dictionary of human geography, Blackwell publishers
16. Lynch, Kenneth (2005), Rural-Urban Interaction in the Developing World, Rout ledge, London
17. Roadway, Paul.(1994) Sensuous Geographies, Rout ledge, London
18. Werlen, Benno (2005), "Regions and Everyday Regionalization's. From a Space-centred Towards an Action-centred Human Geography," in: Houtum, H. van, Kramsch, O. and Zierhofer, W. (eds.) Bordering Space. Ashgate. Aldershot, pp. 47-60
19. Werlen, Benno (1993), Society Action and Space. An alternative Human Geography, Transl.by Gayna Walls Routledge, London